

**Research Article**  
**The Characteristics of the Jurisprudential  
Method of Allameh Kashif al-Ghita**

Akbar Asad Alizadeh<sup>1</sup>

Received: 11/07/2022

Accepted: 19/03/2023

**Abstract**



The development of jurisprudence (Islamic jurisprudence known as fiqh) and its dynamics has a close relationship with the method of presenting and expressing jurisprudence topics. Therefore, knowing the jurisprudential method and method of each jurist has an important and clear effect on knowing his intellectual characteristics and products. The venerable jurist Allameh Sheikh Muhammad al-Hussein Kashif al-Ghita is one of the famous jurists with a jurisprudential style whose jurisprudential thoughts can be examined from different angles. This article aims to explain the methods that he has used in his studies and jurisprudential branches inferences. In this regard, topics such as the development of jurisprudential issues with a comparative and approximate view, rule-oriented in jurisprudence branches, foundation-oriented modernization in the

---

1. Assistant professor, Department of Revival and Correction of Works, Center for Reviving of Islamic Works, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran.. a.asad@isca.ac.ir.

---

\* Asad Alizadeh, A. (1402 AP). The characteristics of the jurisprudential method of Allameh Kashif al-Ghita. *Journal of Fiqh*, 30(113), pp. 67-88. Doi:10.22081/jf.2023.64315.2523.

---

● © Author (s). This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International License (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>) which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cited..

---

derivation of jurisprudence, attention to the role of time and place in the dynamics of jurisprudence, trying to solve new jurisprudential problems with the realities of life, considering the moral and social dimension of jurisprudence and attention to the rational and philosophical dimension of rulings have been dealt with. Although in the study of jurisprudential methods, the formal aspects of jurisprudence are analyzed and explained more than its foundations and topics, it should be noted that this gives shape to the content and brings the greatness of the dynamics of jurisprudence and knowing jurisprudence to the emerging stage.

**Keywords**

Jurisprudential Method, Jurisprudential Characteristics, Kashif al-Ghita.



**مقاله پژوهشی**

**شاخصه‌های منهج فقهی علامه کاشف الغطاء**

اکبر اسدعلیزاده<sup>۱</sup>

© Author (s)

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۲۰

**چکیده**

تطور فقه و پویایی آن، رابطه تنگاتنگی با منهج ارائه و بیان مباحث فقهی دارد؛ از این رو شناخت منهج و شیوه فقهی هر فقیه، تأثیر مهم و روشنی در شناخت ویژگی‌ها و محصولات فکری وی دارد، فقیه بزرگوار علامه شیخ محمد الحسین کاشف الغطاء از فقیهان صاحب نام و دارای سبک فقهی است که اندیشه‌های فقهی او از زوایای گوناگون قابل بررسی است. این مقاله در صدد تبیین مناهجی است که ایشان در پژوهش‌ها و استنباط فروع فقهی خود از آن‌ها بهره برده‌اند، در این راستا مباحثی همچون: توسعه دایره مباحث فقهی با نگاه تطبیقی و تقریبی، قاعده‌محوری در فروع فقهی، نوگرایی مبنا محور در استنباط احکام فقهی، توجه به نقش زمان و مکان در پویایی فقه، اهتمام به حل مسائل جدید فقهی با واقعیت‌های زندگی، توجه به بعد اخلاقی و اجتماعی فقه و توجه به بعد عقلانی و فلسفی احکام، مورد بحث قرار گرفته است، اگرچه در بررسی مناهج فقهی، بیشتر به تحلیل و تبیین جنبه‌های صوری فقه پرداخته می‌شود تا به مبانی و موضوعات آن، اما باید توجه داشت که همین امر به آن محتوا قالب داده و عظمت پویایی فقه و فقاهت را به مرحله بروز و ظهور می‌رساند.

**کلیدواژه‌ها**

منهج، فقه، کاشف الغطاء، محمدحسین.

۱. استادیار گروه تصحیح و احیای آثار مرکز احیای آثار اسلامی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.

a.asad@isca.ac.ir

\* اسدعلیزاده، اکبر. (۱۴۰۲). شاخصه‌های منهج فقهی علامه کاشف الغطاء. فصلنامه علمی - پژوهشی فقه،

Doi:10.22081/jf.2023.64315.2523

صص ۶۷-۸۸



۶۷



## مقدمه

در عرصه علم و دانش، پژوهش در شناخت فرایند اصولی و عقلانی مناہج اندیشه و راه‌های تولید علم اندیشمندان در علوم گوناگون پیوسته مورد توجه پویندگان این راه بوده است. هر پژوهش مکتوبی خواه‌ناخواه دارای منهجی است که معمولاً پژوهشگر به آن تصریح نمی‌کند، بلکه با مطالعه آثار آنان می‌توان به مناہج پژوهشی وی دست یافت. آیت‌الله شیخ محمدالحسین آل کاشف الغطاء (۱۲۹۴-۱۳۷۸ق) از تبار علامه بزرگ شیخ جعفر کاشف الغطاء از جمله دانشمندانی است که در نوشته‌های خود هیچ تصریحی به منهج‌های پژوهشی خویش ندارد. این تحقیق با هدف معرفی اندیشه‌های این فقیه بزرگوار به‌عنوان یکی از فقیهان برجسته عالم تشیع، مؤثر، تحول‌گرا و دارای سبک در عرصه فقه و فقاہت انجام گرفته است. قدرت علمی و مهارت فقهی وی بر کسانی که با آثار علمی ایشان آشنایی مختصری داشته باشند پوشیده نیست، خصوصاً کتاب شرح عروه و تحریر المجله نشان از چیره‌دستی این عالم بزرگ در استنباط احکام فقهی با روش و ذوق و سلیقه منحصر به فردی است. او در بسیاری از مباحث فقهی با آگاهی از دلایل فقیهان اهل سنت، به دفاع از فقه امامیه پرداخت است.

اکنون با توجه به جایگاه علمی علامه کاشف الغطاء، انجام تحقیق درباره معرفی مناہج فقهی ایشان برای استفاده صاحب‌نظران و محققان این علم لازم و پسندیده است؛ چراکه شناخت روش تولید علم دانشمندان، راه صحیح اندیشه را به ما می‌آموزد. لذا این پژوهش می‌کوشد به‌طور مناسب مناہج استنباط فقهی ایشان را - با مطالعه آثار و در حد لزوم آوردن نمونه‌هایی از محتوای آنها - مورد دقت و نظر قرار دهد.

بنا به تحقیقات انجام‌شده تاکنون کتاب یا مقاله مستقلی در زمینه منهج فقهی علامه کاشف الغطاء نوشته نشده است، اما در این میان برخی کتاب‌ها مانند: قراءۃ فی فقه الشیخ محمدالحسین آل کاشف الغطاء - از آثار نویسنده مقاله حاضر، مدخل موسوعه الإمام محمدالحسین کاشف الغطاء (الآثار الفقهیة)، چاپ ۱۳۹۹، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی - و کتاب الإمام کاشف الغطاء حیاته وآثاره - نوشته سید جواد ورعی و ...، مدخل دوم موسوعه کاشف الغطاء، چاپ ۱۳۹۶، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی - و مقاله‌ها

مانند: «گرایش فقهی = اجتماعی علامه کاشف الغطاء»، نوشته محمدسروش محلاتی، مجله آوای بیداری، (ویژه‌نامه به مناسبت چهلمین سال رحلت آیت‌الله شیخ محمدحسین کاشف الغطاء)، اردیبهشت ۱۳۷۲، در این حوزه به‌طور محدود و اجمال اشاراتی شده است، اما در این پژوهش به‌طور تفصیل و مستدل به هفت منهج از مناهج استنباط فروع فقهی علامه کاشف الغطاء پرداخته شده است. البته منهج فقهی ایشان محدود به این هفت مورد نیست. هر پژوهشگری می‌تواند با مطالعه دقیق آثار ایشان به مناهج دیگری نیز دست یابد. بدین ترتیب کشف، بررسی و تحلیل مدلل منهج‌های فقهی علامه کاشف الغطاء یکی از ویژگی‌ها و نوآوری‌های این پژوهش است.

## ۱. مفهوم‌شناسی

در دیدگاه اصحاب لغت واژه منهج به معنای طریق، راه راست، گشاده، روشن، آشکار، مستقیم است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۳۸۳؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۳۶۱)، جمع آن مناهج: یعنی راه‌های روشن و آشکار. نَهْجُ الْبَلَاغَةِ یعنی راه و روش بلاغت و فصاحت (ابن درید، ۱۹۸۸م، ج ۱، ص ۴۹۸؛ ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۶، ص ۴۱؛ جوهری، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۳۴۶) نَهَجَ الْأَمْرَ وَأَنْهَجَ، یعنی واضح و روشن شد که عبارت مَنَهَجُ الطَّرِيقِ وَمِنْهَاجُهُ. همان آشکاربودن راه است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۲۵)، در فارسی به معنای سبک، قاعده، قانون، روش، شیوه (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۸، صص ۱۰۹۰۴-۱۰۹۰۵ و ج ۱۳، ص ۱۹۱۸۲) و در لاتین «متد» می‌باشد. منهجیه به معنای روش‌مندی، وسیله شناخت هر علم یا مجموعه‌ای از روش‌ها، در فارسی روش‌شناسی و در لاتین «متدولوژی: Methodology» به کار می‌رود و در اصطلاح به معنای شناخت راه‌های فکر و اندیشه و تولید و تألیف علم و دانش در عرصه‌های گوناگون علمی است. منهج راهی است که دانشمندان در سلوک علمی‌شان آن را طی می‌کنند و منهجیه به شناخت آن مسیر می‌پردازد.

## ۲. مناهج استنباط و استدلال

علامه کاشف الغطاء در آثار فقهی خود راه‌های گوناگونی را برای بیان نظران علمی و

تحلیل و استنباط احکام شرعی به کار گرفته است که با مطالعه و تأمل در آثار ایشان می‌توان به آنها دست یافت که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

## ۱-۲. توسعه دایره مباحث فقهی با نگاه تطبیقی و تقریبی

یکی از شاخص‌ترین منهج‌های فقهی علامه کاشف الغطاء تحلیل و بیان تقریبی و تطبیقی است. ایشان یکی از کتاب‌های فقهی اهل سنت به نام مجله الأحكام العدلیة را - که مبنای عمل قضات و علمای حقوق دولت عثمانی در سال ۱۸۶۹م به مذهب حنفی بود - به منظور شرح مطالب کتاب به روش زیر مورد نقد و بررسی قرار داده است:

الف) بررسی مطالب کتاب و برطرف کردن برخی از مسائل پیچیده و اشتباه آن. کاشف الغطاء پس از بیان پاره‌ای از اشکالات کتاب و نقد آنها می‌نویسد: بر اساس اصول امامیه هیچ واقعه‌ای بدون حکم رها نشده و حکم همه حوادث تا روز قیامت با دلیل عام یا خاص از جانب قانون‌گذار بیان شده است، به گونه‌ای که درباره هر حادثه‌ای چنانچه نص خاصی باشد به آن عمل می‌شود، و الا حکم آن حادثه از قواعد عام برگرفته از کتاب و سنت استخراج می‌گردد. و از نظر امامیه عمل به قیاس، استحسان، ترجیحات ظنی و مناسبات زمانی مجاز نیست. ما احکام را فقط از کتاب و سنت به دست می‌آوریم. در فقه امامیه چیزی به نام مصالح مرسله یا قیاس و استحسان پیدا نمی‌شود (کاشف الغطاء، ۱۴۴۱ق، ج ۱۳، ص ۳۳).

ب) کاشف الغطاء موارد زیادی از مطالب مجله را بر مبنای مذهب امامیه نقد و بررسی می‌کند تا ارزش و جایگاه فقه مذهب جعفری در میان فقه دیگر مذاهب اسلامی مشخص گردد و روشن شود که فقه جعفری دارای چه مبانی و محتوای عمیق، استوار و مطابقت با عقل و عرف دارد. به‌عنوان نمونه در ماده ۱۷۹۲ می‌نویسد: «یلزم أن یکون الحاکم حکیماً...». حکیم به چه معنا؟ آیا منظور از آن فلسفه است یا حکمت لغوی و عرفی یعنی وضع کل شیء فی محله، یا حکیم به معنی طیب است؟ هیچ کدام از آنها برای حاکم شرع لازم نیست. صفاتی که بر اساس نظر امامیه حاکم شرع باید داشته

باشد شش چیز است: بلوغ، عقل، اسلام، ایمان، اجتهاد و عدالت. البته عده‌ای از علمای امامیه شرایطی مانند مرد بودن، حرب بودن، امی نبودن، ولد زنا نبودن، تزلع در احکام قضا و حافظ بودن را نیز معتبر می‌دانند. لذا اوصافی که در مجله گفته شده اکثر آنها مفروغ‌عنه است (کاشف الغطاء، ۱۴۴۱ق، ج ۱۶، صص ۲۵۹-۲۶۲).

و همچنین در بحث قضا، ضمن نقد تعاریف عرضه‌شده درباره مدعی و منکر، گاه تشخیص مدعی از منکر را دشوار می‌داند که تنها فقاهت فقیه و لیاقت مجتهد و فراست حاکم که کلیات را بر مصادیق و احکام آنها از ادله استخراج می‌کنند، می‌تواند راه‌گشا باشد؛ چون مفتی احکام کلی را بیان می‌کند و حاکم آنها را بر جزئیات منطبق می‌سازد (کاشف الغطاء، ۱۴۴۱ق، ج ۱۶، صص ۱۴۴-۱۴۷).

ایشان در بحث حق مرور زمان که مورد قبول اهل سنت است، آن را جعل گزاف بشری می‌داند و چون فقه امامیه شرعی محض است و از حدود قرآن و سنت و احکام عقلی قطعی تجاوز نمی‌کند، از چیزی به نام حق مرور زمان در فقه شیعه اثری وجود ندارد؛ چون نه به کتاب و سنت مستند است و نه به عقل و نه حتی به استحسان و قیاس؛ إِنَّ قَضِيَّةَ مَرُورِ الزَّمَانِ لَا تَرْجِعُ إِلَى كِتَابٍ وَلَا سُنَّةٍ، بَلْ وَلَا عَقْلٍ وَلَا اسْتِحْسَانَ وَلَا قِيَاسٍ، وَإِنَّمَا هُوَ جَعْلٌ جَزَافٍ مَحْضٌ (کاشف الغطاء، ۱۴۴۱ق، ج ۱۶، صص ۱۶۳-۱۶۴).

ج) در موارد متعددی نقصان کتاب المجله را جبران کرده و با نقل مفصل نظریات فقیهان عامه و فقیهان امامیه، به شرح و گسترش مواد پرداخته و در موارد لزوم مطالبی را جهت تکمیل بحث اضافه کرده است. وی پس از بیان قواعد عامه، در قالب پنج فصل به تنظیم و شرح قواعد مستدرکه پرداخته است که در باب معاملات به کار می‌آیند. او در مجموع ۸۳ قاعده را بررسی کرده که برخی از آنها کاملاً جنبه ابتکاری دارد (کاشف الغطاء، ۱۴۴۱ق، ج ۱۳، صص ۷۷-۱۳۳).

د) در بخش قواعد عامه، یکصد قاعده را شرح و در پایان قواعد تکراری را حذف و قواعد متداخل را در یکدیگر ادغام کرده و ۴۵ قاعده جدید نیز مطرح کرده است (کاشف الغطاء، ۱۴۴۱ق، ج ۱۳، ص ۷۷).

ه) در برخی موارد به تغییر عناوین مباحث پرداخته؛ به طور مثال در مباحث

قضاوت عنوان «کتاب الدعوی» را به «کتاب القضاء» تغییر داده است (کاشف الغطاء، ۱۴۴۱ق، ج ۱۶، ص ۱۲۷).

و) در بسیاری از موارد ترتیب موجود میان مواد را نقد کرده و به مواد، نظم منطقی بخشیده است؛ چون نظم منطقی ایجاب می‌کند که به طور مثال ابتدا مقدمات و ارکان عقد، سپس شرایط عامه متعاقبین و شرایط ثمن و مثنی بحث شود، سپس بحث شروط و اختیارات و اقاله مطرح گردد (ن.ک: کاشف الغطاء، ۱۴۴۱ق، ج ۱۴).

در جمع‌بندی مباحث مطروحه باید گفت که علامه کاشف الغطاء نخستین فقیه از فقیهان شیعه است که به کتاب فقهی اهل سنت شرح انتقادی و تطبیقی نوشته است. ایشان با نوشتن کتاب تحریر المجله در عمل در این عرصه پیشگام شده است و برای برطرف کردن برخی از مسائل پیچیده و مشکل آن، بر اساس نظر امامیه، تنقیح و بازنویسی و حذف مطالب اضافی و تکراری و بیان مستندات برخی قواعد و فروع بر اساس ادله شرعی به روش زیر مورد نقد و بررسی قرار داده است:

- تبیین اشتباهات محتوایی کتاب و رفع اشکالات آن بر اساس مبانی فقه امامیه.
- جبران نقصان کتاب و شرح و گسترش مواد آن بر اساس نظر فقیهان عامه و امامیه.
- حذف مطالب تکراری و اصلاح برخی از عناوین.
- تنظیم منطقی مسائل کتاب.

## ۲-۲. قاعده محوری در فروع فقهی

یکی دیگر از منهج‌های فقهی علامه کاشف الغطاء قاعده محوری در استنباط حکم شرعی و بیان ادله استظهار آن از آیات و روایات به وسیله بررسی سند، مفهوم، دلالت، تعارضات، اقوال و ... است (ن.ک: کاشف الغطاء، ۱۴۴۱ق، ج ۴، صص ۱۶، ۱۸، ۴۲، ۷۳، ۱۲۳؛ ج ۱۰، صص ۹۹، ۱۵۸، ۳۷۲؛ ج ۱۲، صص ۱۱۸، ۲۳۷؛ ج ۱۳، صص ۱۳۰-۲۰؛ ج ۲۳، صص ۹۸، ۱۰۳، ۱۰۵؛ ج ۲۴، صص ۱۶۳، ۱۷۸). وی توانست با استفاده از این روش پاسخ بسیاری از پرسش‌های نوپیدای فقهی را با استدلال عمیق و رسا ارائه دهد. یکی از آن قواعد، قاعده لاضرر - «لاضرر ولا ضرار فی الإسلام» (کاشف الغطاء، ۱۴۴۱ق، ج ۱۳، ص ۱۰۷) - است که از نظر کاشف الغطاء این قاعده از



قواعد محکم و اساسی در شریعت اسلام بوده (کاشف الغطاء، ۱۴۴۱ق، ج ۱۳، ص ۲۶؛ ج ۱۸، ص ۲۸۳) و نقش مهمی در استنباط احکام فقهی ایفا می کند. کاشف الغطاء بر اساس این قاعده، ملکیت هر مالک را تنها در محدوده عدم اضرار به غیر می داند و معتقد است که قانون کلی در تصرف هر مالک نسبت به ملکش این است که با دو شرط می تواند در ملک خودش تصرف کند؛ اول اینکه ملک او غصبی نباشد؛ دوم آنکه تصرف او باعث ضرر به دیگری نشود (کاشف الغطاء، ۱۴۴۱ق، ج ۱۵، ص ۲۴۲). ایشان حتی مقید کردن ضرر را به فاحش و غیر فاحش قبول ندارند؛ چرا که مبنای کلام او حکومت قاعده لا ضرر بر قاعده سلطنت - «الناس مسلطون علی أموالهم» (کاشف الغطاء، ۱۴۴۱ق، ج ۱۳، ص ۱۰۷) - است که قاعده لا ضرر اقتضای نفی هر ضرر و اضرار به غیر را دارد؛ گرچه بعضی از ضررها به دلیل اندک بودنشان در عرف قابل اعتنا نباشد (کاشف الغطاء، ۱۴۴۱ق، ج ۱۵، ص ۲۴۲). حکومت قاعده لا ضرر بر قاعده سلطنت نکته ای است که کاشف الغطاء در فروع گوناگون، بر همین اصل فتوا داده است (ن. ک: کاشف الغطاء، ۱۴۴۱ق، ج ۱۳، ص ۲۷؛ ج ۱۵، صص ۳۱۶-۳۱۷).

و قاعده دیگر، نفی عسر و حرج - «وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ» (حج، ۷۸)، «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ» (بقره، ۱۸) (کاشف الغطاء، ۱۴۴۱ق، ج ۱۳، ص ۲۵) - است. از نظر کاشف الغطاء این قاعده از قواعد مسلم و اساسی اسلام بوده و رافع جمیع تکالیف از تمام مکلفین است؛ فَإِنَّ الْعُسْرَ وَالْحَرَجَ رَافِعٌ لِجَمِيعِ التَّكْلِيفِ عَنِ الْجَمِيعِ الْمَكْلُوفِينَ (کاشف الغطاء، ۱۴۴۱ق، ج ۴، ص ۱۳۲) و حکمت تشریح آن تسهیل در امور مردم است (کاشف الغطاء، ۱۴۴۱ق، ج ۱۳، ص ۲۶). هر دوی این قواعد (لا ضرر و نفی عسر و حرج) حاکم بر تمام احکام اولیه است (کاشف الغطاء، ۱۴۴۱ق، ج ۷، صص ۱۱۶ و ۳۰۶). از نظر ایشان خرید آب با قیمت گران و تهیه آن برای وضو در صورت ترس از ضرر مالی، یا خوف بر ابتلا به مریضی یا شدت آن یا طولانی شدن درمان مریضی و غیر این ها، بر اساس قاعده لا ضرر و نفی عسر و حرج واجب نیست؛ در این صورت همان تیمم کافی است (کاشف الغطاء، ۱۴۴۱ق، ج ۷، صص ۲۶۰، ۲۹۰-۲۹۲، ۳۰۳-۳۰۹؛ ج ۱۹، صص ۱۰۶-۱۰۹).

و نیز قاعده طهارت - «كُلُّ شَيْءٍ لَكَ طَاهِرٌ حَتَّى تَعْلَمَ أَنَّهُ قَذِرٌ» (کاشف الغطاء، ۱۴۴۱ق، ج ۳، صص ۲۳، ۸۹، ۱۲۵) - که کاشف الغطاء در بحث طهارت، این قاعده را از مهم ترین

قواعد شرعی و از نظر رحمت و برکت خداوندی وسیع‌ترین اصل می‌داند (کاشف الغطاء، ۱۴۴۱ق، ج ۲۳، صص ۴۳-۴۴) و آن را بر کل امور مشکوک جاری و ساری می‌داند (کاشف الغطاء، ۱۴۴۱ق، ج ۱۹، ص ۱۶)، مگر در موارد تعارض ادله طهارت و نجاست که اگر دلیل نجاست مستند به علم باشد و دلیل طهارت مستند به اصل باشد، در این صورت حکم بر مستند علم مقدم است (کاشف الغطاء، ۱۴۴۱ق، ج ۳، ص ۱۸۹). این قاعده فروعاً و مصادیق فراوانی در فقه دارد که شمارش همه آنها کتاب مستقلی می‌طلبد. کاشف الغطاء نمونه‌های فراوانی را از این قاعده و فروعاً آن در آثار فقهی خود بیان کرده است (ن.ک: کاشف الغطاء، ۱۴۴۱ق، ج ۳، صص ۹۲-۹۳، ۲۱۲؛ ج ۱۸، ص ۴۳؛ ج ۱۹، صص ۱۶، ۲۱-۲۲، ۳۶۷).

و همچنین قاعده الضرورات تُبیح المحظورات - «ما من شيء حرّمه الله إلا وقد أحلّه لمن اضطرّ إليه» (کاشف الغطاء، ۱۴۴۱ق، ج ۱۳، ص ۲۶) - است. اصل در این قاعده برگرفته از کلام باری تعالی است که فرمود: «إِلَّا مَا اضْطُرُّرْتُمْ إِلَيْهِ» (انعام، ۱۱۹) و «فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ» (بقره، ۷۳؛ انعام، ۱۴۵؛ نحل، ۱۱۵). این قاعده یک استثنا دارد و آن «دماء» است. یعنی ضرورات در همه موارد سبب مباح بودن چیزهای ممنوع و حرام است، مگر در حفظ جان انسان که تعرض به جان او و لو در حال اضطرار جایز نیست. به همین جهت در روایت‌ها وارد شده است که «لا تقيّة في الدماء»؛ چون فلسفه مشروعیت تقیه، حفظ نفس است (کاشف الغطاء، ۱۴۴۱ق، ج ۱۳، ص ۱۱۵) و ده‌ها قاعده دیگر.

باید توجه داشت که قواعد فقهی دارای اقسامی است: برخی قواعد عمومی است و در تمام ابواب فقه جریان دارند، مانند قواعد: لاضرر، نفی حرج، قرعه، والضرورات تبيح المحظورات؛ و برخی تنها در عبادات جریان دارند، مانند قواعد: طهارت، تجاوز، فراغ و قاعده من ادرك ركعة؛ و برخی دیگر در باب معاملات استفاده می‌شود، مانند: قاعده سلطنت، قاعده ید، قاعده ضمان، قاعده ما یضمن بصحیحه یضمن بفاسده، العقود تابعة للقصد و ... که بیش از شصت قاعده فقط در این باب مطرح است؛ و برخی فقط به باب قضاء اختصاص دارد مانند: البینه علی من ادّعی و الیمین علی من أنکر، إقرار العقلاء علی أنفسهم جائز، لا یصح الإنکار بعد الإقرار؛ و برخی دیگر مختص باب قصاص، حدود و دیات است مانند: تُدرأ الحدود بالشبهات.

یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین کارهای فقیه استفاده درست، به موقع و به‌جا از این قواعد و تحلیل‌های اصولی، فقهی و عقلی از آنها در استنباط احکام شرعی است. این روش در طول تاریخ فقه امامیه یک امر تعریف شده و قابل توجهی بوده است، لذا ضوابط و شرایط و چگونگی استفاده از این قواعد استدلالی در تحکیم مبانی و به‌کارگیری صحیح و شایسته آن در اثبات فروع احکام، فقیه شایسته و نکته‌سنج می‌طلبد. از شاخصه‌های منهج اجتهادی کاشف الغطاء آن است که ایشان توانسته است به درستی از اصول و قواعد فقهی به صورت گسترده، اما مبتکرانه و دقیق در فقه استدلالی خود استفاده کند که بیانگر تسلط عمیق او بر مبانی فقه عاقله، به ویژه روایات آنان و نیز قدرت استنباط قوی و مستدل وی بر اساس اصول و قواعد محکم فقهی است. چنانکه در قبل اشاره شد، ایشان همین روش ابتکاری را در فقه استدلالی خود در دفاع از مذهب امامیه در مقابل مذاهب فقهی عاقله در کتاب باارزش *تحریر المجله* اتخاذ کرده و فقط در جلد اول این کتاب، نزدیک به صد قاعده فقهی استدلال کرده و به وسیله آن به اثبات آرای امامیه و نقض اقوال عاقله پرداخته است.

### ۲-۳. نوگرایی مبنامحور در استنباط احکام فقهی

علامه کاشف الغطاء یک فقیه نواندیش و نوآوری بود که نظریه‌های بدیعی در فقه از خود به یادگار گذاشته است. میراث فقهی به‌جامانده از این مرد بزرگ و مراجعه و مطالعه آنها گواه روشنی بر نوآوری‌های گسترده او در این دانش بوده است. ایشان بر خلاف نظر مشهور، همه غسل‌ها (چه واجب و چه مستحب) را از وضو مکفی می‌داند «الأصح عندنا كفاية كلِّ غسل عن الوضوء حتى الأُغسال المستحبّة» (کاشف الغطاء، ۱۴۴۱ق، ج ۱۹، ص ۸۳ ج ۲۱، ص ۹۵)؛ همچنین یک تیمم را بدل از وضو و غسل کافی می‌داند (کاشف الغطاء، ۱۴۴۱ق، ج ۱۹، ص ۱۱۳) و نیز نیت قربت را در غسل میت شرط نمی‌داند (کاشف الغطاء، ۱۴۴۱ق، ج ۵، ص ۶۹) و اقامه را در نماز یومیه واجب می‌داند (کاشف الغطاء، ۱۴۴۱ق، ج ۱۹، صص ۱۵۷-۱۵۸). ایشان در مسئله وطن شرعی، توطن (حداقل شش ماه سکونت) را شرط نمی‌دانند، بلکه آن را دائرمدار نیت می‌دانند (کاشف الغطاء، ۱۴۴۱ق، ج ۱۸، صص ۷۷-۷۸؛ ج ۱۹، صص ۲۲۸-۲۲۷؛ ج ۲۴، صص ۷۹-۸۰).

ایشان در باب زکات، معتقدند که پول‌های کاغذی (اسکناس) همانند طلا و نقره زکات دارد و وقتی به حد نصاب رسید، زکات آن واجب و ربا در آن حرام می‌باشد؛ إنّ الدنانیر القُرطاسیة تجری علیها جمیع أحكام النقْدین، فتجب فیها الزکاة و یحرم فیها الربا (کاشف الغطاء، ۱۴۴۱ق، ج ۱۸، ص ۱۳۴؛ ج ۲۳، ص ۴۳۴).

ایشان اولین کسی از معاصرین بود که به جواز ازدواج دائم با زنان اهل کتاب فتوا داده است، در حالی که دیگر فقیهان شیعه (ن.ک: فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۷، ص ۲۲۰؛ خوانساری، ۱۴۰۵ق، ج ۴، ص ۲۶۵)، تنها ازدواج موقت را با آنان جایز می‌دانستند؛ فلا یحلّ للمسلم أن یتزوَّج من الکفار غیر الکتابیة، أما هی فالمشهور جوازه متعة، ولا یبعد الجواز مطلقاً (کاشف الغطاء، ۱۴۴۱ق، ج ۲۰، ص ۲۲۶). ایشان غنا را در غیر مبتذل حرام نمی‌داند (کاشف الغطاء، ۱۴۴۱ق، ج ۱۸، ص ۳۵۰؛ ج ۱۹، ص ۳۴۱؛ ج ۲۰، ص ۸۱).

از نظر کاشف الغطاء مسح تمام روی پا با کف کامل دست واجب است و مسمای مسح را کافی نمی‌دانند، در حالی که بر اساس نظر مشهور فقیهان، مسمای مسح کافی است؛ وجوب مسح تمام ظهر القدمین بتمام باطن إحدى الکفّین، ولا یجزی المسمی فیهما علی الأصح (کاشف الغطاء، ۱۴۴۱ق، ج ۲۰، ص ۳۷، ۳۵۲؛ ج ۵، ص ۲۰۰-۲۰۱).

ایشان اقامه را در تمام نمازهای یومیه واجب می‌دانند، در حالی که از نظر مشهور مستحب مؤکد است؛ ولكن الأقوی عندنا وجوبها علی خصوص الرجال فی کلّ فريضة یومیة (کاشف الغطاء، ۱۴۴۱ق، ج ۱۹، ص ۱۵۷-۱۵۸).

و نماز را در هر مکانی - و لو ملک غیر هم باشد - صحیح می‌دانند به شرط اینکه نجس نباشد؛ إنّ الصلاة عندنا صحیحة فی کلّ مکان بشرط أن لا یكون فیهِ نجاسة تسري إلى الثوب أو البدن سواء كان ملكاً لك أو لغيرك، أو لا تعرف مالکة (کاشف الغطاء، ۱۴۴۱ق، ج ۱۸، ص ۷۸).

فقیه بزرگوار علامه کاشف الغطاء، مجتهدی مجدد و نواندیش بود که همتای او در میان علمای مسلمان کمتر یافت می‌شود. گذشته از تبحر علمی شگرف و اشراف دقیق به مبانی فقهی، شناخت گسترده‌اش از زبان عربی، تسلط بر فرهنگ‌ها، گردش علمی، مناظرات علمی با دانشمندان و آشنایی با آداب و سنن ملت‌ها وی را در رسیدن به این

جایگاه بلند یاری کرد. جرئت و جسارت وی در ابراز رأی فقهی‌ای که آن را مبتنی بر حجت شرعی و تأیید عقلی می‌دید، مثال‌زدنی است. نوآوری فقهی کاشف الغطاء در پاسخ به پرسش‌ها بیش‌ازپیش بر پرآوازه‌بودن وی افزود، به طوری که از او به عنوان بزرگ‌ترین مجتهد شیعه و برترین عالم نجف اشرف یاد می‌کردند.

## ۲-۴. توجه به نقش زمان و مکان در پویایی فقه

یکی دیگر از مناہج فقهی علامه کاشف الغطاء توجه به نقش زمان و مکان در استنباط احکام شرعی است. ایشان معتقد است که هرچند در اسلام احکامی هست که در طول زمان قابل تغییر و تبدیل نیست، اما در مقابل احکامی وجود دارد که به مقتضای عقل، منطق و مستلزمات شرعی، قابل تغییر و تبدیل است؛ ولی بسیاری از فقیهان سلیقه‌اجرای آن را ندارند. اما باید توجه داشت که بر اساس نظر اصول مذهب امامیه، تغییر احکام به تغییر موضوعات بستگی دارد و تغییر موضوعات یا ناشی از زمان و مکان است و یا از اشخاص؛ بنابراین هیچ‌گاه حکم تغییر نمی‌کند و دین خداوند در هر زمان و مکان یکی است و هرگز سنت الهی دگرگون نمی‌شود (خلیلی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۴۷).

ایشان در ادامه با بیان مثال‌هایی نظر خود را این چنین بیان می‌کند که به طور مثال میتی وصیت کند که از ثلث مالش برای ساختن سقاخانه‌ای برای استفاده کاروان‌ها و رهگذران بدهند، اما این موضوع در عصر و زمان ما متغی است، آب شرب بهداشتی در هر نقطه‌ای در دسترس است و با وجود وسائط نقلیه و سرعت و راحتی مسافرت‌ها، اجرای این وصیت بی‌فایده است (خلیلی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۴۷).

کاشف الغطاء در بحث احکام مساجد که خرید و فروش و اقامه حدود و قضا در آن و راه‌دادن دیوانگان و کودکان را مکروه دانسته‌اند، به سیره امیر مؤمنان علی علیه السلام که در مسجد کوفه قضاوت می‌کرد، استناد می‌جوید و نتیجه می‌گیرد که این مکروهات در زمان‌ها و شرایط گوناگون حکم متفاوتی دارند. گاهی همین اعمال فضیلت پیدا می‌کنند و راجح، مرجوح و مرجوح، راجح می‌شود. البته تشخیص آن با فقیه ژرف‌اندیش و ژرف‌نگر است (کاشف الغطاء، ۱۴۴۱ق، ج ۲۳، ص ۹۳).

ایشان در پاسخ به پرسشی در زمینه طلاق، به تأثیر زمان و مکان در تغییر حکم اشاره کرده و با تحلیل معیار کلی می‌نویسد: هر چند طلاق مبعوض و مکروه است، اما گاهی شرایط زمانی و مکانی و عوارضات لاحق و حیثیات گوناگون سبب استحباب و حتی وجوب آن می‌شود. البته این مسئله اختصاصی به طلاق ندارد؛ حتی دروغ نیز که قبیح و حرام است، گاهی واجب می‌شود، مانند مواردی که دروغ باعث نجات مؤمن شود و در غیر این صورت حرمت و کراهت در اصل باقی است. به همین دلیل اشیا فی نفسه دارای احکامی اولیه‌اند، ولی در برابر عوارضی که بر آنها عارض می‌شود، احکام دیگری دارند که احکام ثانوی نام دارند و موقت و محدودند و در بعضی از اخبار معتبر آمده است: «ما من حرام إلا وقد أحله الله لمن اضطر إليه» (طوسی، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۱۷۷) و این امر یکی از امتیازات شریعت مقدس اسلام است که شریعتی سهل و آسان است (کاشف الغطاء، ۱۴۴۱ق، ج ۱۷، صص ۱۷۸-۱۷۹). لازم است به این نکته اشاره شود که مجتهد نه تنها باید سند روایت و دلالت آن را مورد بحث قرار دهد و بر علم رجال و درایه کاملاً مسلط باشد، بلکه باید بر قواعد و ملاکات احکام ثابت و متغیر نیز آگاهی داشته باشد که رمز اجتهاد در تطبیق دستورات کلی با مسائل جدید و حوادث متغیر است. فقیه واقعی آن است که این رمز را به دست بیاورد و توجه داشته باشد که موضوعات چگونه تغییر می‌کند؛ چرا که یکی از مسائل مهم، بررسی ملاک احکام ثابت و متغیر است که آیا با توجه به خاتمیت اسلام و حدیث «حلال محمّد حلال إلى يوم القيامة...» (کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۵۸)، جایی برای نسخ و تغییر در احکام وجود دارد؟ دین خاتم مختص به زمان و مکان معینی نیست، بلکه مربوط به همه مناطق و ازمنه‌هاست؛ بنابراین اگر وجود دارد، بر اساس چه ملاکات و شرایطی چنین چیزی امکان‌پذیر است؟ آیا نفس زمان و مکان، موجب تغییر احکام می‌شود؟ باید توجه داشت که مفهوم حدیث یادشده بدین معنا نیست که احکام اسلامی انعطاف‌ناپذیر بوده و شرایط گوناگون زمان و مکان تأثیری در احکام ندارد، بلکه زمان و مکان به خودی خود تغییری در احکام به وجود نمی‌آورد و هیچ قانونی را به صرف مرور زمان و تفاوت مکان نمی‌توان دست‌خوش تغییر و تبدیل قرار داد؛ اما در عین حال امکان تغییر احکام به علت تغییر ملاکات و موضوعات وجود دارد. بدین

ترتیب می‌توان گفت احکام دارای امور ثابت و متغیراند؛ امور ثابت در طول زمان و مکان تغییرناپذیرند، مانند عبادات، اما در مقابل برخی احکام همیشه ثابت نبوده و با تغییر موضوع قابل تغییراند. فقیه می‌تواند با توجه به مقتضیات زمانی و مکانی درباره احکام متغیر اسلام، پس از تشخیص و با در نظر گرفتن اهداف عالی اسلام و مصالح و منافع دینی و اجتماعی حکم مقتضی را بیان نماید. کاشف الغطاء از جمله مجتهدینی است که به این نظر فقهی کاملاً اذعان داشته و در فتاوی خویش به این اصل جامه عمل پوشانده است.

## ۲-۵. اهتمام به حل مسائل جدید فقهی با واقعیت‌های زندگی

یکی دیگر از مناہج کاشف الغطاء در بیان مسائل فقهی آن است که ایشان مباحث فقهی را تنها در قالب کلیات مطرح نمی‌کنند، بلکه کلیات را بر شئونات گوناگون زندگی تطبیق کرده و زمینه‌های عملی آن را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهند. کسانی که آشنایی مختصری با آثار فقهی کاشف الغطاء داشته باشند، به این موضوع اذعان خواهند کرد. لذا ایشان به عنوان فقیه حاذق و بصیر، پیوسته تحقق عملی فقه را هدف خود قرار داده‌اند و بر اصل تقدم مصالح جامعه بر مصلحت فرد تأکید دارند (ن.ک: کاشف الغطاء، ۱۴۴۱ق، ج ۱۳، صص ۵۸-۵۹؛ ج ۲۳، ص ۱۴۲). به همین جهت از نظر ایشان اگر میان حق جامعه و حق فرد تعارض و تراحم باشد، حق جامعه بر حق فرد مقدم است. وی حق تصرف در ملک را مشروط به دو شرط می‌داند: ملکش متعلق حق دیگری نباشد؛ دیگر آنکه تصرف او موجب ضرر زدن به دیگری نشود، و لو ضرر فاحش هم نباشد (کاشف الغطاء، ۱۴۴۱ق، ج ۱۵، ص ۲۴۲).

در پاسخ به این پرسش که آیا به اسکناس هم مانند طلا و نقره با وجود تمام شرایط، زکات تعلق می‌گیرد؟ و آیا احکام طلا و نقره از جهت ربا و بیع صرف در آن جاری است یا خیر؟ علامه می‌نویسد: اصح آن است که این اوراق نمایانگر پشتوانه‌ای است که برای آنها نزد بانک وجود دارد؛ یعنی اگر کسی اسکناس یک دیناری در دست دارد، این اسکناس حاکی از آن است که وی دارای یک لیره طلا در بانک است و اگر دارای چنین پشتوانه و اعتباری نباشد، خود اسکناس هیچ ارزشی ندارد. پس در واقع همه

معاملاتی که با این پول‌های کاغذی و اوراق انجام می‌گیرد، بر مبنای همان پشتوانه است. لذا تمام احکام طلا و نقره - مانند وجوب زکات، حرمت ربا و غیره - برای اسکناس نیز ثابت است (ن.ک: کاشف الغطاء، ۱۴۴۱ق، ج ۱۹، ص ۲۸۰).

ایشان در باره نقش بانک و ارتباط با آن می‌نویسد: پس از سبر و استقرا نتوانستم معامله با بانک‌ها را تحت یکی از معاملات شناخته‌شده شرعی و عرفی مثل بیع و قرض و مضاربه و امثال آن‌ها قرار دهم. در عین حال چون معامله عرفی جدیدی است که صاحبان اموال بنایشان بر معاملات با بانک هاست و لذا مشمول عمومات «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» (مائده، ۱) و «تِجَارَةٌ عَنِ تَرَاضٍ» (نسا، ۲۹) و امثال آن است، می‌توان قائل به حلیت آن‌ها شد و چون داخل در قرض و بیع نیست، ربا در آنها تحقق پیدا نمی‌کند؛ چون ربا فقط در بیع و قرض است. در عین حال شکی نیست که احوط، تحصیل برائت یقینی و دفع شبهه است که می‌توان با مراجعه به حاکم شرع و مصالحه با وی آن را به دست آورد (کاشف الغطاء، ۱۴۴۱ق، ج ۸، صص ۴۰۸-۴۰۹).

صاحب عروة الوثقی در بحث زکات معتقد است که دادن زکات به محصلین فلسفه و ریاضیات جایز نیست و فقط به محصلین فقه جایز است؛ زیرا تحصیل آن مستحب است. اما علامه کاشف الغطاء ضمن ایراد به استادش معتقد است که تحصیل هر علمی نه تنها بذاته فضیلت و نیکو و مستحب است، بلکه گاهی واجب کفایی یا حتی عینی است، به خصوص علم فلسفه و کلام که اساس صحت عقاید دین را به عهده داشته و دفع شبهات ملحدین و خاموش کردن مادیین با آنها است. بنابراین ضروری است که گروهی مهارت و تبحر کافی در این زمینه داشته باشند تا در برابر گمراهی‌ها بایستند. بدین ترتیب پرداخت حقوق به آنها از بودجه زکات و غیر آن و کمک به آنان جهت تأمین زندگی‌شان در صورتی که نیاز داشته باشند - از بهترین موارد مصرف این حقوق است (کاشف الغطاء، ۱۴۴۱ق، ج ۲۳، صص ۱۴۲-۱۴۳). کاشف الغطاء بر خلاف نظر اکثر فقیهان در مورد نشوز مردی که حقوق همسر خود را ادا نمی‌کند، الزام حاکم به طلاق و سپس طلاق از سوی حاکم را آخرین اقدام می‌داند و همین اختیار را برای حاکم اسلامی درباره زنی که شوهرش گمشده و مردی که نفقه زنش را از روی عصیان یا عجز



نمی‌تواند پردازد نیز قائل است (کاشف الغطاء، ۱۴۴۱ق، ج ۲۳، ص ۲۲۷). ایشان در بحث لاضرر، ضرر جامعه را بر ضرر فرد مقدم داشته و می‌نویسد: اگر شاخه‌های درختی از خانه به اطراف آن بیرون آید و باعث مزاحمت و اذیت عابران باشد، قطع آنها هرچند با ضرر مالک-لازم است، ولی این ضرر خاص است که باید برای دفع ضرر عام تحمل شود (کاشف الغطاء، ۱۴۴۱ق، ج ۱۳، صص ۵۸-۵۹).

دقت نظر و توجه شیخ به ملاکات احکام موجب می‌شد تا در پاسخ استفتائات گره‌هایی را بگشاید یا از سوءاستفاده‌های احتمالی جلوگیری کند. وقتی از او در باره معاشرت با زنی که انسان نیت ازدواج با او را دارد پرسش کردند، پاسخ داد: هدف از معاشرت چیست؟ اگر هدف آشنایی با خلق و خوی اوست، با معاشرت قبل از عقد چنین هدفی حاصل نمی‌شود و اگر ازدواج برای تداوم نسل است، با معاشرت نمی‌توان عقیم یا زایابودن زنی را تشخیص داد. با این حال وقتی نگاه کردن به پیکر زن برای ازدواج بلامانع باشد، معاشرت با او نیز جایز است (کاشف الغطاء، ۱۴۴۱ق، ج ۱۷، صص ۳۰۰-۳۰۴) و موارد فراوان دیگر که در این مختصر نمی‌گنجد.

## ۲-۶. توجه به بعد اخلاقی و اجتماعی فقه

یکی دیگر از مناهج فقه کاشف الغطاء این است که ایشان در ابتدا، انتها و لابه‌لای مباحث فقهی خود به مقتضای بحث یا به سبب اهمیت موضوع به بعد اخلاقی و اجتماعی آن نیز می‌پردازد و مکلفین را به دقت و توجه بیشتر و می‌دارد تا علم به اهمیت و آثار اجتماعی احکام شرعی پیدا کنند و با اعتقاد راسخ نسبت به آن عمل اقدام کنند و خود را از هرگونه افکار و اغراض فاسد و ریا برهانند و جز با اخلاص و پاک کردن دل از شوائب عجب و تکبر نسبت به احکام الهی نیندیشند و عبادت و بندگی را کلید رهایی از تمام بندهای هوای نفس بدانند. کاشف الغطاء در برخی از آثار خود، قبل از ورود به بحث صلات بیانات مبسوط و بسیار مهمی را با رویکرد عرفانی و اخلاقی درباره اهمیت، اقسام و اسرار عبادت و بندگی خدا و انجام فرائض الهی بالاخص نماز مطرح کردند (ن.ک: کاشف الغطاء، ۱۴۳۹ق، ج ۵، صص ۲۷۵-۲۸۰) و نماز را جز نظافت و تطهیر، عبرت‌آموزی،

فکر کردن، حرکات ورزشی، تلاش‌های عقلانی و مکاشفات روحی نمی‌داند و با استدلال به آیات و روایت‌ها، مردم را به اهمیت دادن به این فریضه الهی تشویق و ترغیب می‌کند (ن.ک: کاشف الغطاء، ۱۴۴۱ق، ج ۲۳، صص ۷۷-۸۶؛ ج ۳، صص ۱۲-۱۹). ایشان حج و زکات را از واجبات اساسی دین اسلام و ارکان شریعت می‌داند و در مذمت ترک آن به آیات و روایت‌های متعددی استدلال کرده‌اند و اظهار می‌دارد که خداوند انسان را مرکب از روح و جسم آفریده و برای هر کدام از آنها با هدف تعالی، سعادت، کسب کرامت و رسیدن به درجات عالی انسانی احکامی را مقرر کرده است. حج از اعظم شعایر دین اسلام است، تارک آن باعث خروج از اسلام و داخل در یکی از آن دو ملت (یهود و نصاری) که مقابل دین حنیف است خواهد گردید (کاشف الغطاء، ۱۴۴۱ق، ج ۲۵، صص ۳۵۷-۳۶۰). ایشان در بحث طلاق مطالبی را تحت عنوان «فائده مهمه» در باره مبغوض بودن طلاق متذکر می‌شود و مؤمنین را برای اصلاح ذات البین و رفع هرگونه نزاع و اختلاف مابین زوجین و تبدیل آن به دوستی و آشتی سفارش می‌کند و در نهایت در صورت غیرممکن بودن ادامه زندگی، با رعایت موازین شرعی اقدام به طلاق کنند. وی به قضات نیز سفارش می‌کند که مواظب خدعه‌ها و نیرنگ‌های زنان باشند و همیشه در نظر و فکر یاد این آیه شریفه باشند که «إِنَّهُ مِنْ كَيْدِكُنَّ إِنَّ كَيْدَكُنَّ عَظِيمٌ» (یوسف، ۲۸) و چقدر کید زن‌ها عظیم است (کاشف الغطاء، ۱۴۴۱ق، ج ۲۵، صص ۲۷۰-۲۷۱).

## ۲-۷. توجه به بعد عقلانی و فلسفی احکام

کاشف الغطاء سعی دارد تا با بررسی و ارائه فلسفه احکام و تحلیل عقلایی از آنها، به آنان که برخی از احکام اسلامی را دور از عقل تلقی می‌کنند و یا با دیده استبعاد به آن می‌نگرند، پاسخ قانع‌کننده‌ای ارائه کند تا نشان دهد که احکام بر مدار حکمت و مصلحت جعل شده و عقل می‌تواند بسیاری از آنها را درک کند و گمان نشود که احکام الهی، ملاک و ضابطه و مصلحت ندارند. از نظر ایشان معیار در بیشتر احکام -چه در وجوب و چه در حرمت- بر مصلحت و مفسده استوار است و احکام دائرمدار حکمت است؛ بعضی روشن و آشکار و برخی دشوار و پنهان و اینجاست که فقیه

ژرف‌اندیش و دارای وسعت‌نظر از فقیه ناتوان، ضعیف و سست شناخته می‌شود (کاشف الغطا، ۱۴۴۱ق، ج ۲۳، ص ۱۴۲). ایشان روشن‌ترین اسرار و حکمت روزه را پاکی روح و جسم انسان از تمام بدی‌ها و فضولات و تربیت عزم و اراده قوی بر تسخیر هوای نفس و بالابردن قوه عقل و صبر و استقامت تفسیر کرده و می‌گوید: روزه یک عبادت سری است که جز خدا هیچ کس دیگر از حقیقت آن خبر ندارد، اما دیگر عبادات مرکب از نیت و اعمال خارجی است. به همین جهت خدای تعالی در حدیث قدسی می‌فرماید: «کلّ عمل ابن آدم له إلا الصوم؛ فإِنَّه لی وبه أجزي» (کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۴، ص ۶۳؛ شیخ صدوق، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۷۵؛ کاشف الغطا، ۱۴۴۱ق، ج ۱۹، صص ۲۴۳-۲۴۴؛ ج ۲۳، ص ۱۵۶). وی فلسفه تشریح زکات و خمس را کمک اغنیا به فقرا و مشارکت آنان در اموال اغنیا تلقی کرده و می‌نویسد: مصالح عامه‌ای در این تشریح است که اگر انجام پذیرد، باعث صیانت و حمایت دین و دفاع از مبدأ اعلی است. در حقیقت مصالحی در این حکم نهفته است که مردم از درک آن عاجزند (کاشف الغطا، ۱۴۴۱ق، ج ۲، ص ۱۹۳؛ ج ۲۳، صص ۱۴۹-۱۵۰) و در باره فلسفه پایبندی شیعه در سجده بر تربت امام حسین علیه السلام، علاوه بر روایاتی که در فضیلت آن آورده شده می‌گوید: شاید علت این باشد که نماز گزار فداکاری و ایثار صاحب تربت و خاندان و اصحاب او را در راه عقیده و حضرت حق تعالی به یاد آورد و چون سجده برترین ارکان نماز است، مناسب است که نماز گزار با نهادن پیشانی بر این تربت، آنان را که بر این خاک افتادند و ارواحشان از آن جا به ملاً اعلی برخاست به یاد آورد تا خشوع و خضوع در او پدید آید (کاشف الغطاء، ۱۴۴۱ق، ج ۲۳، صص ۹۲-۹۳). وی در باره فلسفه حج بیان می‌دارد که حج کنگره جهانی مسلمانان است تا ابتدا یک‌دیگر را بشناسند و در پرتو این شناخت به هم پیوندند و قدرت واحدی را تشکیل دهند و پشتیبان هم گردند و بر اثر این قدرت و اقتدار بزرگ، هیچ قدرتی در جهان نتواند در برابر آن‌ها بایستد (کاشف الغطاء، ۱۴۳۹ق، ج ۵، صص ۲۷۵-۲۸۰). ایشان در پاسخ به پرسشی در زمینه حکمت آنکه طلاق به دست مرد است می‌نویسد: محدودیت‌های پیش‌بینی شده در طلاق مثل لزوم وجود دو شاهد عادل، همگی برای جلوگیری از شیوع و گسترش آن است. زنان به دلیل عواطف و احساسات و لطافت وجود و قلت صبر و طاقت، به سرعت

تحت تأثیر قرار می‌گیرند و با کمترین مشکلی جزع و فزع می‌کنند؛ از این‌رو چنانچه خداوند اختیار طلاق را به دست آنان می‌داد یا برای آنان نقشی در طلاق قائل می‌شد، طلاق به شدت شایع و نظام خانوادگی مختل می‌گردید و روابط اجتماعی به سبب آن از هم می‌گسست و تداوم نسل بشر با مشکل روبه‌رو می‌شد. همه این امور سبب بروز اختلال در جامعه بشری و برخلاف حکمت و غرض قانون‌گذار است که خواهان آسایش و سعادت انسان است. در اصل تشریح احکام و فرستادن کتب آسمانی و برانگیختن پیامبران جز به منظور تأمین مصالح بندگان و دفع بدی، مفسده و ضرر از آنان نیست (کاشف الغطاء، ۱۴۴۱ق، ج ۱۷، صص ۹۲-۹۳). او در پاسخ به پرسشی از علت حرمت استفاده از ظروف طلا و نقره با اشاره به تعبدی بودن احکام شرعی و قاصر بودن عقول بشری از کشف تفصیلی اسرار احکام بیان می‌کند که شاید حکمت حرمت آنها تشابه انسان به ستمگران باشد که معمولاً آنان خود را با جواهرات می‌آرایند و به سبب تکبرشان در ظروف طلا غذا می‌خورند و یا چون طلا و نقره به منظور انجام معامله در بین مردم خلق شده و نباید آن‌ها را حبس کرد (کاشف الغطاء، ۱۴۴۱ق، ج ۱۷، ص ۳۲۲).

### نتیجه‌گیری

از مطالب گذشته به دست می‌آید که علامه کاشف الغطاء به دلیل احاطه و تسلط کامل به ابواب گوناگون فقه و با برخورداری از ذهن و قیاد و جستجوگر و روحیه مبتکر و خلاق در استنباط و استدلال مسائل فقهی، توانسته است ارزش و جایگاه فقه امامیه را در میان فقه دیگر مذاهب اسلامی مشخص کند که فقه جعفری دارای چه مبانی و محتوای عمیق و استواری است؛ همچنین حریت و شجاعت ایشان در مواجهه با آرای مشهور فقیهان، نقد و رد نظرات آنان با استدلال و اثبات رأی خود و قدرت نوآوری، فقه کاشف الغطاء را فقهی ممتاز می‌کند که در آن نقد دیدگاه فقیهان دیگر و استدلال‌های آنان و نیز فتاوی جدید با استناد به منابع و استظهار از ادله موج می‌زند.

## فهرست منابع

### \* قرآن کریم

۱. ابن درید، محمد بن حسن. (۱۹۸۸م). جمهرة اللغة (ج ۱، چاپ اول). بیروت: دار العلم للملایین.
۲. ابن فارس، أحمد بن فارس. (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة (ج ۵، چاپ اول). قم: مکتب الإعلام الإسلامی.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب (ج ۲، چاپ سوم). بیروت: دار بیروت.
۴. ازهری، محمد بن احمد. (۱۴۲۱ق). تهذیب اللغة (ج ۶، چاپ اول). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۵. جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۳۷۶ق). الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة (مصحح: احمد عبد الغفور عطار، ج ۱، چاپ اول). بیروت: دار العلم للملایین.
۶. خلیلی، جعفر. (۱۴۱۲ق). هکذا عرفتهم (چاپ اول). قم: شریف رضی.
۷. خوانساری، سید احمد. (۱۴۰۵ق). جامع المدارک (مصحح: علی اکبر غفاری). قم: موسسه اسماعیلیان.
۸. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۳). لغت نامه (ج ۳ و ۴، چاپ اول). تهران: نشر دانشگاه تهران.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن (چاپ اول). بیروت: دار الشامیة.
۱۰. شیخ صدوق. (۱۴۱۴ق). من لایحضره الفقیه (مصحح: علی اکبر غفاری، ج ۲). قم: موسسه نشر اسلامی.
۱۱. طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۶۳). تهذیب الأحکام (ج ۳، چاپ سوم). تهران: دار الکتب الاسلامیة.
۱۲. فاضل هندی، محمد بن حسن. (۱۴۱۶ق). کشف اللثام (ج ۷). قم: جامعه مدرسین.
۱۳. کاشف الغطاء، محمد حسین. (۱۴۳۹ق). موسوعة الإمام محمد الحسین آل کاشف الغطاء، آثار کلامی (الإعداد والتحقیق: مرکز إحياء التراث الإسلامی، ج ۵، الطبعة الأولى). قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱۴. کاشف الغطاء، محمدحسین. (۱۴۳۹ق). موسوعة كاشف الغطاء (الآثار الكلامية: الفردوس الأعلى) (ج ۵). قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۵. کاشف الغطاء، محمدحسین. (۱۴۴۱ق). بحوث فقهية (بالفارسية) ← موسوعة كاشف الغطاء، الآثار فقهية (ج ۱۳، ۱۴، ۱۵ و ۱۶). قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۶. کاشف الغطاء، محمدحسین. (۱۴۴۱ق). تحرير المجلة ← موسوعة كاشف الغطاء، الآثار فقهية (ج ۱۳، ۱۴، ۱۵ و ۱۶). قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۷. کاشف الغطاء، محمدحسین. (۱۴۴۱ق). تعليقات على العروة الوثقى ← موسوعة كاشف الغطاء، الآثار فقهية (ج ۲۱). قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۸. کاشف الغطاء، محمدحسین. (۱۴۴۱ق). تعليقات على تبصرة المتعلمين ← موسوعة كاشف الغطاء، الآثار فقهية (ج ۲۴). قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۹. کاشف الغطاء، محمدحسین. (۱۴۴۱ق). تعليقات على سفينة النجاة، ← موسوعة كاشف الغطاء، الآثار فقهية (ج ۲۳). قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲۰. کاشف الغطاء، محمدحسین. (۱۴۴۱ق). دائرة المعارف العليا ← موسوعة كاشف الغطاء، الآثار فقهية (ج ۱۷ و ۱۸). قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲۱. کاشف الغطاء، محمدحسین. (۱۴۴۱ق). سؤال و جواب ← موسوعة كاشف الغطاء، الآثار فقهية (ج ۱۹). قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲۲. کاشف الغطاء، محمدحسین. (۱۴۴۱ق). شرح العروة الوثقى ← موسوعة كاشف الغطاء، الآثار فقهية (ج ۴، ۷، ۱۰ و ۱۲). قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲۳. کاشف الغطاء، محمدحسین. (۱۴۴۱ق). وجيزة الأحكام و... ← موسوعة كاشف الغطاء، الآثار فقهية (ج ۲۰). قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۱ق). الکافي (محقق: علی اکبر غفاری، ج ۱، ۴، چاپ چهارم) بیروت: دار الصعب ودار التعارف. تهران: افست دار الکتب الاسلامیه.
۲۵. نجفی، محمد حرزالدین. (۱۴۰۵ق). معارف الرجال في تراجم العلماء والأدباء (تعلیق: محمدحسین حرزالدین، چاپ اول). قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی رحمته الله.

## References

\*The Holy Quran

1. Azhari, M. (1421 AH). *Tahdeeb al-Lugha* (1<sup>st</sup> ed., Vol. 6). Beirut: Dar Ihya al-Toras al-Arabi. [In Arabic]
2. Dehkhoda, A. A. (1373 AP). *Dictionary* (1<sup>st</sup> ed., Vols. 3 & 4). Tehran: Tehran University Press. [In Persian]
3. Fazel Hendi, M. (1416 AH). *Kashf al-Latham* (Vol. 7). Qom: Society of teachers. [In Arabic]
4. Ibn Doraid, M. (1988). *Jamharah al-Lugha* (1<sup>st</sup> ed., Vol. 1). Beirut: Dar al-Ilm le al-Mala'een.
5. Ibn Faris, A. (1404 AH). *Mujam Maqaees al-Lugha* (1<sup>st</sup> ed., Vol. 5). Qom: Maktab al-A'alam Islami. [In Arabic]
6. Ibn Manzoor, M. (1414 AH). *Lisan al-Arab* (3<sup>rd</sup> ed., Vol. 2). Beirut: Dar Beirut. [In Arabic]
7. Johari, I. (1376 AH). *Sahaha: Taj al-Lugha va Sahaha al-Arabiya* (Abdul Ghafoor Attar, A, Ed., 1st ed., Vol. 1). Beirut: Dar al-Ilm le al-Malaeen. [In Arabic]
8. Kashif al-Ghata, Mohammad Hossein. (1441 AH). *Question and answer. Kashif al-Ghita's encyclopedia, al-Akhtar al-Fiqhiya* (Vol. 19). Qom: Islamic Sciences and Culture Academy. [In Arabic]
9. Kashif al-Ghita, M. H. (1439 AH). *Encyclopaedia of Imam Muhammad al-Hussein al-Kashif al-Ghitah, theological works* (al-Adad va al-Tahqiq: Center for the Restoration of Islamic Tradition, 1<sup>st</sup> ed., Vol. 5). Qom: Islamic Sciences and Culture Academy. [In Arabic]
10. Kashif al-Ghita, M. H. (1439 AH). *Encyclopedia of Kashif al-Ghita* (al-Atar al-Kalamiyyah: al-Ferdous al-A'ala) (Vol. 5). Qom: Islamic Sciences and Culture Academy. [In Arabic]
11. Kashif al-Ghita, M. H. (1441 AH). *al-Olya Encyclopaedia. Kashif al-Ghita's encyclopedia, al-Aqti al-Fahhiya* (Vols. 17 & 18). Qom: Islamic Science and Culture Research Institute. [In Arabic]
12. Kashif al-Ghita, M. H. (1441 AH). *Bohouth al-Fiqhiya (in Persian) Kashf al-Ghita's encyclopedia, al-Athar al-Fiqhiya* (Vol. 25). Qom: Islamic Sciences and Culture Academy. [In Arabic]



13. Kashif al-Ghita, M. H. (1441 AH). *Sharh al-Urwa al-Wosqa. Encyclopedia of Kashif al-Ghita, al-Athar Fiqhiya* (Vols. 4, 7, 10 & 12). Qom: Islamic Sciences and Culture Academy. [In Arabic]
14. Kashif al-Ghita, M. H. (1441 AH). *Tahrir al-Majala. Kashif al-Ghita encyclopedia, al-Athar Fiqhiya* (Vols. 13, 14, 15 & 16). Qom: Islamic Sciences and Culture Academy. [In Arabic]
15. Kashif al-Ghita, M. H. (1441 AH). *Taliqat ala al-Safina al-Nijat, Kashif al-Ghitah encyclopedia, al- Athar Fiqhiya* (Vol. 23). Qom: Islamic Sciences and Culture Academy. [In Arabic]
16. Kashif al-Ghita, M. H. (1441 AH). *Taliqat ala al-Urwat al-Wosqa. Encyclopedia of Kashif al-Ghita, al-Athar Fiqhiya* (Vol. 21). Qom: Islamic Sciences and Culture Academy. [In Arabic]
17. Kashif al-Ghita, M. H. (1441 AH). *Taliqat ala Tabsirah al-Muti'alemin. Kashif al-Ghita's encyclopedia, al- Athar Fiqhiya* (Vol. 24). Qom: Islamic Sciences and Culture Academy. [In Arabic]
18. Kashif al-Ghita, M. H. (1441 AH). *Wajizah al-Ahkam va ... Kashif al-Ghita's encyclopedia, al- Athar Fiqhiya* (Vol. 20). Qom: Islamic Sciences and Culture Academy. [In Arabic]
19. Khalili, J. (1412 AH). *Hakada Araftuhum* (1<sup>st</sup> ed.). Qom: Sharif Razi. [In Arabic]
20. Khansari, S. A. (1405 AH). *Jame al-Madarik* (Ghaffari, A. A, Ed.). Qom: Esmaeilian Institute. [In Arabic]
21. Koleyni, M. (1401 AH). *al-Kafi* (A. A., Ghafari, Ed., 4<sup>th</sup> ed., Vols. 1 & 4) Beirut: Dar al-Sa'ab va Dar al-Ta'aruf. Tehran: Offset Dar al-Kotob al-Islama. [In Arabic]
22. Najafi, M. H. (1405 AH). *Ma'arif al-Rijal Fi Tarajum al-Ulama va al-Udaba* (Herz al-Din, M. H, Ed., 1<sup>st</sup> ed.). Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library. [In Arabic]
23. Ragheb Esfahani, H. (1412 AH). *Mufradat Alfaz al-Qur'an* (1<sup>st</sup> ed.). Beirut: Dar al-Shamiya. [In Arabic]
24. Sheikh Sadouq. (1414 AH). *Man La Yahdrah al-Faqih* (A. A., Ghafari, Ed., Vol. 2). Qom: Islamic Publishing Institute. [In Arabic]
25. Tusi, M. (1363 AP). *Tahdeeb al-Ahkam* (3<sup>rd</sup> ed., Vol. 3). Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiya. [In Persian]

